

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد بدین بوم ویر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Satire

طنز

نعمت الله مختارزاده  
شهر اسن - المان  
۱۳ می ۲۰۰۹

## تنگر

آنکه حج رفته ، بی بی حاجی شده برگشته  
مورچه ای بود ، که پس آمده از در گشته  
به پسر داده زن و ، نیز به دختر ، شوهر  
چار ماه ، دخترکش ، حامله پیشتر گشته  
در شب عقد ، نمایان شده بودی شکمش  
فخر بر خواهر و هم شوهر خواهر گشته  
شخصی میگفت که این دخترک تازه جوان  
وارث پیشه دو خواهر و مادر گشته  
حاضرین جمله دوسه صد نفر از هموطنان  
سر شب تا به سحر صحنه محشر گشته  
مدعی مست شد ، از ساغر و پیمانۀ مفت  
آنقدر خورده که تا ، موتر پنچر گشته  
حال آیم به سر اصل گپ و حرف و سخن  
شعر ، مجبور که اینگونه بیانگر گشته  
بی بی حاجی که خودش رفته کلیسا ، عجا  
هم مسیحی شده ، هم کاسب باور گشته

عوض آنکه جـــــلو رفته بهائی گردد  
پسکی رفته و با انتـــــر و منتر گشته  
به سر مرغ هوا ، خنده و ، وا وا میکرد  
طعنه هایش به جگر ، قمه و خنجر گشته  
میگه از شوهر اول که ندیدم خیری  
طالب شوهر ده سال ، جوانتر گشته  
هوسی کرده که ایرانی خالص باشد  
عاشق مأمور دولت ، نه کلینر گشته  
میگه ای کاش که شش نوه ، مرا حلقه زنند  
تا که آهسته برو ، شیوه دیگر گشته  
میگه ای کاش که داماد شود ، تنگتر من  
خانه شوهر نو آمده یاور گشته  
به بی بی حاجی ، کلیسا ، **بترویر** داده  
چکرش هرطرفی ، مفت به موتر گشته  
آخر هفته ، دو سه بار کلیسا برود  
عادتش ، لبسین و ، سرخی و پودر گشته  
بسی با عشوه و با ناز ، خرامد آنجا  
تا که معشوقه ، یک تازه **پریستر** گشته  
به همه گفته که این چنگک اسلامی من  
مالک بوجی پر اُیرو و دالر گشته  
حال هنگامه کاندیدی جمهوری ما  
شاید از **نام زد** کرسی رهبر گشته  
« نعمتا » بس ، که مبادا کسی آزرده شود  
حرف حق خار به چشمان ستمگر گشته